

ارگان گروه انقلابیون مارکسیست - لنینیست
شماره ۳ خرداد ماه ۱۳۵۶

گونه‌ای از

سیاستهای ضدکارگری رژیم

حکومت کمر اور - رزفول والی پھولی موجد با مشکلک
وسایل متعدد ی است که هرگاه شان بگنوائی در سرهای
فراوانی را برای این رژیم حاکم وزاد بی ابریا لیسیم بیوید
آورد اند . ورشکستگی اقتصادی مملکت که نتیجه ی سا -
ستهای ارتجاعی رژیم بوده وهمنس گسترش درامشی -
بحران عمومی جهان سواد هادی که پیشرفت دستگا -
حکومتی ایران به کشورمانیزمنقل شده است . اریک طرف
اوضاع بیاعتنا با سامانی را برای خلق صیمن مایووجود آورد
است و اعتراضات بحق زحمتکشان را گسترش بخشید ؛ بلکه
این جریان رشد یابنده ، رژیم پهلوی را نگران آرا پند -
د میکند ، و از طرف دیگر عوهای درونی هیأت حاکمه
بر سر سرچنگی چیا ولخ و تقسیم آن که میخواید ناشی از
شدند بد نهاد های جناحهای ابریا لیسیتی سواد -
داد ه است و این نیز خود با مشکلات عدید ی رژیم را
سنگینتر میازد . اگر در ارتباط با مشکل دوم بد و وستان -
های درون هیأت حاکمه و احیا ناقصی این بآن " عنصر
مزاحم " بتواند راه حل ی باشد ورژیم را برای مدت مینسی از
این مخصه نجات دهد ، مشکل اولین یعنی سروسامان
بخشیدن به اوضاع بحران را برای مملکت ولخوگری و مقاو
ومیزی خلق دشوار تر میخواید بود . این اوضاع و
سازری حاصل آن ناشی از موجودیت همین رژیم تبهکار
است و تا زمانیکه رژیم دست نشانده ی ابریا لیسیم در ایران
وجود دارد نیز چنان میخواید بود . اگر در ارتباط سا
مشکلات درونی هیأت حاکمه باند محمد رضا شاهی با این
ایران " عنصر مزاحم " ولی هم مایهت خود و روست که عد -
ظان در رفتار استوار و چیا ولخ بایکدیگر دوستند و
دعویان بر سر سرچنگی آن حاکم و تقسیم آن میخواید در رمور
انسانیت بین رژیم و خلق آامشله بگونی دیگرست . در
ایجاد رژیم با رضی میانی زحمتکشان صیمن مایو بیوست که
اگرچه اکنون نیروی پراکنده ای هستند و از فرماندهی
خوردند انشی حزب کمونیست مخروشد ، معبد ایبا خاشته
ورژیم را آماج بار خرد نمود ه اند . و آامستیرین فاکتور نگران
شدند و رژیم در اوضاع و احوال کنونی میازری طبقه کارگر
فرمانده وطن باست . رژیم پهلوی در اوضاع طبقه کارگر
وطن مایخصی را ی بیند که بسان کوه ایستادگی میکند ،
قریب تر طبقه های رژیم را میخورد و در پیازود در جنگسی
نوده ای تحت رهبری حزبی رژیم طبقه ارتجاعسی و
بایسته حاکم را میخواید انداخت .

سیاستهای قریب و کلون کرد کارگران که عده ترین حربه
بایست باصلاح " سهمیم کردن کارگران در سود کاجات " -
بودنوشه ای برای رژیم در آاموروز میخواید بپند که
کارگران د لاور صیمن مایقد رتشد نریزی و مصمترانگ شده
برای احقاق حقوق خود میدان نبرند اند ه اند . نگاهسی
کوتاه به اعتصابات کارگری دوسه سال اخیر کواهی اسن
مسئله است که جنب وجوشی عین در نهفت کارگری کور
بایست مخورد . در اینجا صیمن رژیم به حربه هاشی
نیش سیر کرد که اریکسود بک بریم یبندند و کارگران
و از روی د بگرفتند استواران و اریانطریق آبی برانشن
بحران اقتصادی جامع رختن را " قانونی " جلوه د هند و
" راههای " تازه ای را در مقابل بچایش کارگری بروی خود
بکشاید . هرزه در افتبای حکومت ایران و " شفق گرین"
وصاحب نظران " و در چند وقت اخیر جلوه ی یک سلسله
" قوانین " وادی و طار کارد رژیم را میاست زحمتکشان
و از بین بردی در بر سر سرچنگی است . این " قوانین " و
اهد امات رژیم وهمنس اهد اف آن عد تابعار تنند در
۱ - از بد رده استوار و باصلاح " افزایش بهره وری کا
و اریانطریق نیمه " حیاتی " به بیکری رفق اوضاع اقتصاد
رژیم در آن امروزه با بحرانی که سوار کسودهای ابریا -
لیستی جهان را به رخو خود کرده است از طریق رژیم
پهلوی به اقتصاد کشورمان منتقلند ه است . در کارگاه اسن

بقیه در صفحه ۲

درسهای خرداد

ایازند، خرداد ۱۳۴۴، یعنی از روزیکه در عهداخراس
از زحمتگان و مستبدگان مبین ما پشتهای گره کرده و
بنا بر استرگی در بار مغفور پهلوی بخیا با پناه ریختند ۱۴
سال میگردد. در آن روز بزرگ غریب خشم تود، های خلق
خلق که از دستگیرهای ده سال حکومت کوتاه شد آمده
بود، بایه های خشت نیباد و برپای پهلوی و بارید و را و ر
مهر خدایا، خاستن بدین اترس خلقی تا خدایا کندگان
به کاح خلطقی اس: اترهوان گرخت و های اترس
پناه برد. در اینروز اترس محمد رضا شاهی و خشیانه پنه
صوف قیام کنندگان حمله برد و پشیز اتره هزارتن ار
فرزند ان خلق را پشتهاد ت سانبند. در همین هنگام دور
لیک که خلق مبین ما در سوگ هزاران فرزند شهید در
وهی فراوان فرورفتند و غنور جند ساتی از خشیان
خیا با پناه شپوان بودند و پنهان گرما از توسط ناگهانی
اترس اترسهای محمد رضا شاهی خشت شد: هزارها نویسن
بزیاری و برپای پهلوی شتافتند و ایروستیا خشت گوی
دوگان روظاف هاجنیں نوشت: "د یوزد ریا پشته
ایران، تهران، در مشهد، در قزو، مراکز بزرگ ده هیسی
کشویه تحریک روحانین مرتجع سلطان آشوب و ملوانتی
برپا شد"، دارودسته خاتن کعبه مرکزی حزب توده نیز
به تبعیت از پاریان با خود، خلق قهرمان مبین عوا
فرزندان: "شبهه من را" آت: "شخص خارجی" و "مرتجع
فوائد، خلق مبین ما هرگز کاین و سایر خیا پشتهای این اتر
رسته را فراموش نخواهد کرد و روز را استقلال مبین: این
خاتنین را نیز نمائند و برپای پهلوی و سایر اترسهای پنه
فوائد رسانید.

قیام پایزدهم خرداد ۱۳۴۲ به پیروی رسید. این
قیام با آنکه خورشود ولی حاوی در سهای آموخته، های
خلق ایاست.

یکم درسیاستکه فقط و فقط مبارزه افلاقی توده های
سبع خلق قاربند در هم شکستن بساط ظلم و استعمار
پایبند، قیام توده ای پایزدهم خرداد برای یکبار دیگر
خلق ما نشان داد که آزادی رانتهای توان با مبارزه
پلیونی توده عایدست آورد و پیروزی واقعی ای کی تواند
ریم طبقات اترسهای حاکم رایزانه دای تاریخ اندازند
مباحص صفت بهم قشردی توده های پلیونی خلق ایاست،
پنهان جند پیوند که ریم سرسیرده شده: ناگهانی است،
ماندهای اترسهای اترسهای رانته و دستور قلع و عام
خلق را صادر کرد. قیام توده ای پایزدهم خرداد ده
پیروی رسید. اما بدانمکت که در عهداخر زحمتک در آن
مرکت داشتند و حکومت را وحشت در تراز عصبه کرد
سیرت که ارگان سلطنت را درهم گوید. این قیام در گمار
شان داد که اگر توده های خلق پیچ گردند و آنجمنان
پیروی توده ای حرکت درخواهد آمد که نک تیراندازی
های عده هار و تنگ کرم صلح جاد و عیگاه با سادرا
مهرامان ارش و عمره تعاهده داشت.

قیام پایزدهم خرداد و قیام بارهنگان و قیام
سندیدگان و قیام توده های خلق زحمتک بود. قیام
مان با خنجانی بود که یاد پتهای خالی را ملحه: اما
پشتهای گره کرده، به خدگ با ناک و مسلسل رفتند و چه
پناه پناه بخرج دادند، چه جان بازها کردند و چه
طاعه ای جاودانی کردند.

اما یاد بود اترس قیام تاریخی بار گرمی آموخته که اگر
توده های خلق نگین دست داشته بودند، های خلق را طبعه
حکومت پیچ تکیم، برانداختن رژیم طبقات اترسهای
حاکم را عیلت توانیم کنیم.

دویم درسیاستکه برای رهبری مبارزات وجود
حزب کمونیست و تشکیل دهی خلق ضروری است. قیام
توده ای پایزدهم خرداد با قیامی خود بخود و فاقد رهبری
اترس افلاقی بود، و اساسا مبین خدای در رأس آن
رهبری لینیقی قرار داشت. نتوانست به پیروی رسد. اترس
پشتیانی و بسط و توسعه ای چنین توده هائیکند و تشکیل
لازم است. بدون یک حزب غریلی انجام اینکار غفور ممکن
وصحت درباری آن پییود با پشتهان: اشتلا افلاقی.
در روز پایزدهم خرداد ۱۳۴۲ در رأس جنبش ما چنین
رهبری را شتیم، یعنی حزب کمونیست که وجود نداشت
در یک رهبران را طبعه و لیدر افلاقی مش جبهه ملی تتر
که در پشته زمان سه سالگی آنرا گرتن مجد دود بسا
اگر، رهبر خلق میدان مبارزه پارلمانی آمده بودند:

در حاشیہ "کنفرانس ملی کار"

در شرایط حاکمیت رژیم کجیارد - ورف - فلود این پهلوی در
صحنه مایه سینه روزی وصاف میراث توصیف در چسار
میباشند. ازگرانی ابتدای ترین حواص زندگی مانند نشان و
گشت تاگزای خانه ازکمود و داود کجیورستان تافدان
آمنشنگاه کافیه برای فرزندان زحمتکشان ازبگری نهان و
انگشازاجود و روستائیان آواره به شهرهای برز همنو
همه جنبه های اوضاع ناسامانی هستند که به "برکت"
رژیم مغفورپهلوی این عامل امیرالیم بخلی وطن مسا
تحلیل شده اند و تا زمانیکه این حکومت دست نداشتند
آمریکا بر سر قدرت است. انتظاری خرابی داشتن حفاظت
مردم در قریب پیش نیست. فشارهنگ احکاف و دستگیریهای
طیقات ارتجاعی حاکم پیش از همه بدوش کارگران میهن ها
و تاراج میباشند. طبقه کارگرو طبقه مایندت اوضاع وضع رنج
برده و ناسامانی زندگی را هر حدی ندارد. علاوه برضرب
و شتم کارفرمایان روزمندی مأمورین ساواک و درگاهخانه
استخبارت بر حاکم شان بوسیله سرمایه داران و هراوریک
مبارکی دیگر کارگران کشور ما مانند اکثریت مردم با مشکل
عظیم دیگری روبرو هستند و آن بخاندانی و اوضاع وخیم
مسئله مسکن آنان است. اکثریت کارگران تشریف میهن ها
بازن و فرزندانشان در بیخوله های تاریک و نساک زندگی
میشوند و هاراج اهل و سائل زندگی مانند آب و برق در ایس
بیخوله وارد میگویند. برخی از آنان که سبک داشتند زن و
فرزندانشان در برخی اززمینهای ساختمان شده اطراف
شهرهای بزرگ آلوتیکی برای خود و خانواده شان ساخته
بودند نیز از بدتی قبل شمول "الطاف ملوکانه" گردیده و
پلیس فزای شش شاه و پهلوانی ساواک خانه هایشان را با
بولد و زخواب کرده و آنانرا آواره نمود تا نگه که هـا و
"شخصیت" هائی نظیر ما تخلیه ها / شهرها - خیابان -
هارو را ضایع و این زمینها خانه سازی کنند و با مالاور
بعضی در شانرند شرایط مبارزه در راستا خرد اندام
نوده هارا بحال خود رها کرده و خویشند در گمانه ها -
بشان آرام نمودند. و جز این نیز از آنان انتظار داشتند
میبوده بود. وجه خوب که جنبش ما را بنام "رهبران"
تالایق در میدان مبارزه نوده ای و کارگران در مجالس
آموده اند.

جنبه مایه قبل از عام یا نیز هم خرد اندام که دیگر
پیش از این برای نوده های مردم آشکار میشد که از اهل
خان و خانگی و "افتخار" اوردرجلسان زندگی انتظاری
داشت و بعد و بعد های سران حبه که با طرح شمار
"اصلاحات آری" و "پیکان نوری" آخرین ضجه های
نوسدانی خود را سر میدادند و نایبیتی میدی - یست
روحانیت شرقی توانست تاحدودی به بسج خلق بپردازد.
اما این نیز با وجود نقش روشنی که داشت و دارد و نسبی
توانست جوابگوی نیاز جنس ما باشد. جنبش ما را نیازی
به فراوانی به حزب طرازیون خرد را بدو هست و نبود
این و بدلیلده گشت قیام خرد اندام.

ما را بدو از این قیام تاریخی دگر باری آموزید که برای
بسج خلق و رهمن شدن امه پیروزی بایستی بمشکل
خلق پرداخت. و بنگاه سازمانی که میتواند بسج - تنگ -
دهی و رهبری خلق را برای رسیدن به پیروزی عهده دار
گردد و هم احزاب کونیست است.

سومین درم است. ححد و دداشتن دایری ستور -
پهلوی رژیم طوطا ارتجاعی کار کافیتیست بلکه ما بد
آزنان را بدو ساخت. یا نیز هم خرد اندام ۱۳۲۰ دگر باری
حقیقت را که برای رها ی زحمتکشان از استعمار و شتم و سرای
رسیدن به آزادی و استقلال میهن. راهی جز برانداختن
رژیم طوطا ارتجاعی حاکم. بیرون راندن کامل امیرالیم
و استقرار جمهوری دیکتاتوری دیکتاتوری خلق نیست. بد
انبات رسانید. قیام نوده ای یا نیز هم خرد اندام کار
نشان در اداه که هرگونه امه بدیستن به گشتهای "حکومت"
و برکوت جنم داشتند به کرسیهای پارلمان و با انتظار
تحقیق فشار حکومت را از طریق راههای قانونی "داشتند"
عواقب بسیار تلخی بدیال خواهد داشت. خلق ما از
جنبش سیاسی فرمستی و شمشنگار رنجها بدیست. است.
با اینکه حزب کونیست ایران بر انداختن قهری رژیم حاکم
دارد دستور را بخود فرارده و برای مدتی نیز عیوق بسده
استقرار جمهوری دیکتاتوری گیلان شده بود "اما این
دستاوردها را بدیال رهبران فرمستی و پارتیزانیست نوده
نه زیرا که دارد و بدیال همه نیچند در دوران قبل از کت

پورسریس و خانه قریه تزوفریه ترک کردند. هنوز خاطره چند ماه پیش که پلیس و سربازان یحیی زنجبیران نور و راغه های جنوب تهران حمله کرد و "خانه" های کارگران را آوارا ساخت از ذهن مردم این مناطق محو نشده است. والین که کارگران به تکرار عالی چه مقاومت خانه ها ای نمودند که اعتراضات بدو روزیم ما علیه همه واقعه های خشن و خرد کننده، ایکه در ارتباط با مسئله مسکن در کشور ما وجود دارد - امروزه باید هل تبلیغاتی خود را بسازد و آرد، که گویا برسد خانه سازی برای کارگران و "خانه" مشکل مسکن است.

در چنین "گفتمان ملی کار" که در نیمه دوم ده بیست و نه سال بد تهران برگزید و یکی ارسال می شود بحث آن مسئله مسکن کارگران بود. کلاشان ساواک و یحیی صاحب نظران "دولتی" به "راه حل" هائی رسیدند که عبارتند از "ایجاد مجتمع های مسکنی از طریق احداث و تقویت تعاونی مسکن و تعاونی تولید کارگران" و "هنگامی دولت با کارفرمایان برای ایجاد خانه های سازمانی در حوازی کارگاه و ایجاد شرکت های زیر بنه کارگاه و همچنین "پرداخت وام مسکن به کارگران" (کپهان ۱۳۵۴ ارد - بهمن ۱۳۵۶).

از این گفتار سنجیده سنجیده که تاکنون کارگران در لا و رما دیده اند. و هر کسی میداند که تمام این شکست و پرخا - ستهای سیاسی و گفتمانی روزیم با یغمد قریب نبوده است که انجام میدهد و باید افزایش جابجای کارگران و بطور مشخص "راه حل" های حکومت پهلوی خود و وجه این سیاست ننگین را در خود نبیند. روزیم عدد و کارگری شاه برای دادر و وام مسکن به کارگران رنج کشیده میهن با مقرراتی وضع نموده است که عبارتند از "اولا" حد اکثر وام پرداختی در هزار تومان است که به اقشار ده ساله پرداخت میشود "ثانیا" بهره وام در ۷ درصد است "ثالثا" فقط از دسته از کارگرانی که بیش از سه هزار تومان درآمد داشته اند می توانند بهره مند شوند.

و چه سانه در و در خانه های ۴۲ - ۴۴ واحدی که تبلیغ و دنبال کرد، تحقیر مستمریهای رژیم حاکم بودند و کوشش خستگی ناپذیر برای نابود ساختن رژیم فاسد و رزجای حاکم و دنبال کردن چنین سیاستی رفرمستی و پارلمانارستی از جانب رهبران پست فطرت حزب خود و رهبران لایا لی و کجوته بین جبهه ملی همیشه فرصتهای مناسبی را بدست از رزجاء محمد رضا شاهی داده است تا از حاکم حاکم برای این به تقویت و تحکیم موقعیت خود بپردازد. دامت و در زمان مناسب بنابر وضعیت خود را برای درهم شکستن صفوف خلق آغاز کند.

در خولی خرداد ۱۳۴۲ از موضع چنین بود، مارشگران حاکم جبهه ملی که بزرگترین مبارزات خلق و بحرانی که تند بود در رژیم شاه را فاش کرده بود، در امانت فعالیت محدود یافته بودند، به دست سه سال تمام نه هیچ اصلاح طلبی در جابجای حکومتی، در سران نه هیچی استفاده از موقعیت مناسب برای ضرورت نه در حکومت - خلق و ادعوت به پراخه و دل خوش داشتن به "گشهای" حکومت کرد. و این فرصت مناسبی بود برای تجدید قوای ارتجاع که از بهمن ماه ۱۳۴۱ به سرگوبه میارزند به تدریج پرداخت و در ۲۰ خرداد سال بعد هزاران تن را بشهادت رسانید و یکی از ساءه ترین و نیکو ترنهای تاریخ را بر کشور ما بگشایند. در روزیازدهم خرداد ۱۳۴۲ با اینکه قیام کنندگان به طرح شعار سرنگونی دربار پرداخته و برای برانداختن شاه از حکومت حاکم تها کردند، اما این شعار که به صورت عبارت جلوسا از رهبران جبهه ملی و سازشکار جبهه ملی و شعاری انقلابی بود - تنها به سرنگونی دربار شاه و نه کلیه طبقات ارتجاعی حاکم محدود بود. و این نیز از نتایج سیاست رهبران حزب بود و سازشکارهای رهبران جبهه ملی بود که هیچگاه در مدد و تسبیح و آگاه ساختن خلق برای سرنگونی رژیم طبقات ارتجاعی حاکم بر نیامدند. در بنابر ماهیت بورژوازی خود نمیتوانستند بر آیند. و در بنظر نمودن های غیر متشکل قیام کنندگان، مقصود بود که شعار معرعه و میدادند، بر عکس، قیام کنندگان بی نهایت از رهبران با نایه جبهه ملی و حزب بود که اولی در صحنه تها تهراند، گوشه گرفته و دومی در کارخانه های دریای سیاه آفتاب گرفته بودند، جلوتر بودند.

در یاد بود از این قیام تاریخی در گریه آهیزم که برای رسیدن به آزادی و استقلال میهن و رفاهتی از حاکمان رژیم و استثمار برای طبقات ارتجاعی حاکم را از رزجاء برداند - بنابر امیر الیمیرا

بنفید در صفحه ۴

سنگون باد رزم کمیرادور۔ فنودالی شاہ، سگ زنجیری امپریالیسم امریکا

در سال ۱۳۰۰، ارگونیروان راند و جمهوری در پیکان
مکراتیک خلق را مستقر ساخت. هرگونه پایش آمدن از این
طبقه و تقلیل آن به حد و کردن قدرت حکومت پانتهای
«ماراه» علیه دیکتاتوری در مقطع کنونی جنبش مایجی جز
همدی با طیفات اشتراک گسترده نخواهد بود.

چاپرسن درسی است که در صحنه یون وحدت محکم
نار کارگران و دهقانان ۱۹ انقلاب به پیروی توانا رسید و
در صورتیکه انقلاب و شهرها محو و گردیده و راه حاضر
شهرها از طریق دهات را در پیش نگرد شکست خواهد خورد.
در قیام و یازدهم خرداد با اینکه تعداد کمی از دهقانان و
از جمله دهقانان و راجین شرکت داشتند ولی اولین تسا
بدان حد کم بود که در برابر توده های میلیونی دهقانی که
در سیاست به انقلاب جلب گردید تا جای خود - نه اتحاد وحدت
کارگران و دهقانان مشابه استخوان بندی صلبه
واقع بعلت عدم موجودیت حزب کمونیست وجود نیامده
بود و تا آن قیام در حداثت شهرت گردید. توجه به تقس
دهقانان در انقلاب صحن و گشتن خشکی ناپدید گردید
و وحدت کارگران و دهقانان یکی از وظایف اساسی انقلابیون
صحن و مایجی و از وظایف حزب کمونیست است. در صحن
برای اولین بار وجود وحدت در تحت رهبری حزب کمونیست
در انقلاب گیلان وجود آمد. پس از سرکوب حزب کمونیست
نویس رضاحان قزاقی این دستاورد حزب کمونیست نیز
در قدرت و از آن زمان تا امروز این کمبود همچنان موجود است.
در سالهای ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ مبارزات دهقانان صحن مافوق
گسترش بی یافت و با گرفتن خشم و مبارزات دهقانی، رژیم
محمد رضا شاه را به تکلیف داد که پیوسته با این دسته
بود. یکی از وظایف اصلی قبضه حکومتی از زندان راهب
شهرها، مبارزات دهقانی بود. و فاسور که در آن زمان مبارزات
انقلابی وجود نداشت که با کارگران و تشکل دهی و دهقانان
بردار خنده و توطئه میرا لیسیم آمریکا را که از این شاه خائن در
ششم صحن اعلام گردید. دهقانان منطقه نقض برآپ گرداند.
داد ریاد بود از این قیام تاریخی در گریابی آزمون که بدو
و وحدت کارگران و دهقانان و بدو در پیش گرفتن و خاصری
شهرها از طریق دهات در تحت رهبری حزب کمونیست
انقلاب مایجی پیروی توانا رسید.

و پنجم درسی است که در مقابل قهراراج جز توبلیه
در انقلابی راهی نیست. خلق مایکرات شاهد این بوده
است که رژیم راجی شاه برای سرکوب مبارزات خلق مبارز
و سلحشمکنی است. حزب کمونیست به خلق با آموخت
و هوای دشمن مسلح پانتهای با سلحش با نیست داد و خود را
طریق مبارزه مسلحانه تودای بود که توانست جمهوری
مکراتیک گیلان نابود کرد. در فرصت و پیروزیست
حزب تودای و بیگرس، بنای دستاورد بزرگ حزب کمونیست
بر آن در تمام زندگی نیکت با خود پشت یازده و همینه در
حالیکه موعظهای مبارز را راه پاریسان و شرکت در و لتهای
راجی را سرید اند و توده های خلق را از توسل به رهبر
حذرمیداشتند. این قروباگان سیاسی متشاه از زندگی بر
تغیاز حزب کمونیست ایران و از هنودای حیدر عمو وطنی
میرا بوسر از قهرمان پیرلونا ایران و از آواز صحن رهبران
پیرلونا و بیجانی و انقلابات پیروزیست در تحت رهبری احزاب
کمونیست میا موختند بلکه بی درین پیوری از حملات نظامی و
الحان ناراجع حاکم علیخلق را در آریا جان و گردستان و نه
روهای ۲۰ پیوری ۲۰ داد و دهها سرکوب نظامی نظا هرات و
اختصایات و یگزینیزد اختند. رهبران پاریسان تارست حبه
طی نیز دست که از رهبران فرومایه حزب تودا داشتند.
روزیست که موعظ خود را در حالیکه توده های خلق با مشتهای
میرا بدو و بیجانی با هارختند و راجع تا بدو این مسلح بودا -
میرا خود را مبارزاتی تودای و قهرانیو اماید و سلح
یکی از علل شکست آنهم در صحن مسلح نبود نهفته است.
داد ریاد بود از این قیام تاریخی در گریابی آزمون که تنها
راه پیوری مبارراج تا بدو این مسلح و مبارزه مسلحانه
بود و این تحت رهبری حزب کمونیست است.

۳. اسامی از قیام های تاریخی در خرد میگرد و در این
دست خلق ما صحنی را فراوان میگردید تا بدو. رژیم سرد
سرد محمد رضا شاه را رتار از رهبری سرکوب مبارزات خلق
داد و دهه ده صحن ما را بیل ریش میدان تاخ و ناراجی را -
مشتهای پیوز ما میرا لیسیم آمریکا میداد داشتند و دستگاههای
دور و اختناقی این را در سرا میران گسترده میرا سرکوب
مبارزات خلق قهرمان طغیان آشکور تجا و زکد داشت. اما
رشن و تماند و بگرس دستگاههای مسلح و دور و اختناقی رژیم
توانستند نمیتوانستند و گشتن مبارزات خلق را جلو گیر
شدند و هیچگاه نیز در نخواهد بود. قروباگان آژوری و
بلقی ما در تحت رهبری حزب کمونیست با خاشقا شورا از طریق
پاریسان و بیجانی با هارختند و راجع تا بدو این مسلح بودا -
میرا خود را مبارزاتی تودای و قهرانیو اماید و سلح

گفته‌ای درون اقتصاد ورشکسته ایران . . .
بوده سیزده ریزم بآن روبروست و تپه‌ی شدن حزنانه سلگی
که اوضاعش تنها از طریق درآمد نفت تأمین می‌گردد ، دست
وای هبأت حاکمه ایران را رنگهای غلظتی گرفتار نموده
است . و آناله های این دست پرورده های امپریالیسم
از نابت خرجه‌های غلظتی که از سر درآمد نفت برای خرید
بیلبارد ها را لااقل سلحله جراحی و ادای کس نبوی بودند
نظامی نه بدلیل آنست که گویا ریزم پهلوی بفکر مردم افتاد
است و پرا انداختن های وهوی با اصطلاح " صرف جوی از
درآمد های دولت نیز نه بدلیل آنست که این درآمد های
زخم مردم زده شوند بلکه برعکس بدخلت است که ریزم
متاعده میکند که باین اوضاع اسفناک اقتصادی امدادی
است نظا متگیری وسطی و متوسطی حریان تا بزرگ و تبلیغ
فانیسم راکشی احتیاج به درآمد پهلوی برای
جاول این از خلق با پستی زمینه چینی که در اینجا است
که کارگران و تشو ریسهای دست نشاند امپریالیسم به
جنب جوش میافزیند و پس از گرفتارنسا وسپارهای مختلف
با طریح " افزایش بهره روی کار " بمدان می آیند . هدف
این طرح شد به استشار هر چه بیشتر طبقه کارگران ایران
و از دست درآمد سرمایه داران و دولت تخریب هر چه بیشتر
بگر کشیدن کارگران است . که بدست تحجیم سرمایه داران
کمرباد روبرو روبرو کارگران و امپریالیستها بهره بردار این طرح
در زمانی پادیده میشود که فشار گرایی و پائینی سطح دستمزد
روزگار کارگران سپهر مارا ساء نموده است . حال ارتجاع
پهلوی می خواهد ضمن ثابت نگه داشتن مزد ناچیز کار
گرگان در عمل سطح یاتین و بسویله شدن بدکار سطح
سور را اضافه کند . این جریان میبایست دست و پای ریزم
از رنگشای شدن بد اقتصادی که بآن روبروست برهاند و
سبه اقتصادی او را توقیت نماید و او را درآمدی امنی سبتهای
ترجمانه ان جهت عوجه بیشتر ثارت کردن دستمزد
از حشنگان بوسله امپریالیسم و خصوصا امپریالیسم آمریکا
کشد کند . آرمین یکی از دست پرورده های امپریالیسم در
نیور میگوید : " کارگران میوانند گاهش درآمد نفت را بسا
تولید بیشتر جبران کند و حتی اگر ما به نفتا یسان گیرد
باشد به نیروی این زحمتکاران کند " کرد . که باید گفت
میکرو خواندنه های " باوری این زحمتکاران به تساهیم استکا
در حاله های وطن فروش و اربابان امپریالیستان نخواهد
شد که هیچ بلکه منتظر آتروزی یا شاید که کارگران در لا ورم
به بیرجم حزب خود گردانند و سپهره بقیه خلق در مارا از
ورگارتان در آورند .

۱- اقدام در گریز و بسته پهلوی " جلویگری از اوضاع
صانع " است . در اعتراضات تارگری در چند ساله
خبر که روز ناسی اید تر شدن اوضاع زندگی طبقه کارگر
بهس ماست و تا به آنجا کشیده شده که در برخی موارد بطور
فوق بخودی حتی پا را از حواسته های اقتصادی فزاتر نهاده
جنبه سیاسی خود گرفته ، ریزم را بشدت بیعناک نموده
است . باین خاطر است که " متفکرین " ریزم شاه بفکر
باز به اقدام و به نشیانت تازه ای دست یاریده اند .
نیز روزنامه تبلیغاتی های ریزم مدعایم که از حواسته بخود
روشن و تحکم " انعطاف " در مصیبه کارگران ها
میزند . در ایور تهران اگوبیسیت ۱۶ سپس ۱۳۵۰ می
بود : " اگر خواهم صایل موجوده نیروی کارگری را به
ترتیب ترکیم ، بدین ترتیب فقدان انعطاف اولیسن و
محضین و حتی ریمانی صایل بدیگارت " و با بنفرتیب
بدی شکیت و وحشت سرمایه داران وابسته با امپریالیسم
در مقابل " انعطافی " کارگران در لا ورمیکه مایلند میکند .
بن " انعطافی " اما چه چیزی است جز از یک روزنارانی
تحکیم و وطن مانع خواهد شد از این ریزم روبرو
جغافات سرمایه داران و حکومت مرتج پهلوی برون و تفر
مود را از اوضاع موجود در سرمایه ریزی در حواضا تعاضای این
در مقاومت و لیون این در مقابل " گارد کارخانه ها " و ما مورد
بن ساوک " نشان میدهد . " انعطافی " راکه ریزم دست
شاندنه ناه از کارگران وطن مانع خواهد آنست که انسان
مردن شد گار آراسی به استمنا روجفت " بی مسکی وفلاکت
هاریک مللوری اما هران قدر بند تریم تسلیم خودوند
مردن سرورده ای میخواندند بیفران کن و غرق ریختن
کارخانه ها و کارگاهها سرمایه داران وابسته با امپریالیسم
افره تر و تنگم کند که ترکند . نفرت از این چنین " انعطافی
از کارگران سپهر ما " انعطافی " خود بیکارت نشان
اده اند و افتخار بر آنرا باد . ریزم که میخواهد از امتس
برستان را در کارخانه های وطن حاکم سازد ، چاره این
بن " انعطافی " هار را در اوضاع " تنیه " و " اخطار و تنیج
" جارت است کارگران غیور و حشنگ سپهر ما میباشد . بدین
مظور گفته جای ویژه ای " تشکیل میگردند که به اخراج و
ها از کارگران " مختلف برداخته و میگویند ضمن " تنیه "

پاره‌ها را عواقب مبارزاتی اعضای حزب در انداخته و متاورج‌خانه‌ها را کارگران جیت جهان و بخون کشیدن ایران ناسیجی شاهی، اخراج فعالان کارخانه سیارس گریک و هزارا هاجانیت در بگرمز قاترند نادر جوت غریب سیت کارگران ایران، اخراجی و مقاومت آنان در مقابل رابطه کارخانه فرسای رندکی و کارخوگری که؟ گفته — ای ریزه ای که از طرف ساواک تشکیل و دیات میگردند و بدیده به اخراج و مجازات هم نمیتوانند و نخواهند است ازین بیرون .

حزبی در بگرمز در تحقیق سیاست سرکوب " قانونی " روح صدور " بنیادنامه کار " است . قصد ریزه‌ایست که کارگران فهبران میهن مارا از یکسختی نلاید و واموی دیگر نایچه آنان اعتراضی بکنند ی " انتطالی " شان را در بنیادنامه های قلابی خود راز و بسایر ترتیب اصطلاح با " خراب کردن " سافتی آنها از اید کارشان را کارخانه های در بگروگری ناید ، اما چه کسی است که اندک که اگر قاتر باشد سابقه ای مورد بررسی قرار گیرند بقدر ریزم شک پهلوی است که بنیاد مال بعنوان عامل برای پهلوی عمل نموده و دستن تار حق بخون زحمتکشان را با نقضت است ، با شد که امروزه طبق کارگروطن ما میانی این سافتی بگرفت خود ریزم معنر ضا شاهی صادر کند فرارند و آنروز قضاچندان درو سیت ،

اقدام در بگرمز با اصطلاح " آونش " کارگران باشد ، هدف ریزم از این طری " تبلیغ " قانونی " ضد ریزم و فائسیم " رستاخیزی بین کارگران میاند که سبها نیتی سیت کردن با اصطلاح " تبلیغات بیگانگان " عوامل فوئسم " انجام میگردد ، برای انگیزی بایست سبها مختلف تشکیل داده وای معلن ساواکی تعریف و تمجید از " بشرف " های معلن سرور در و ان طنت تنگین پهلوی ببرد ازند و این ترتیب کارگران غور بین ماراد مقابل " خراب کردن روحه شان " و در مقابل " انتطالی " حفظ " کند . مشق گوریزم کسار ور در الی پهلوی گمان میکند که می تواند مقاومت و اعتراض کارگران در لیکشور ماراد خلی خلی ظهور دهند گیوان سبها مقاومت مبارزه از طرف " بیگانگان " دان رده بود . ریزم که تاجای تارو بدست بیگانگان ایرالیسم و عوص ایرالیسم آمریکا ضل است همی سایل را از این دی می نگرد ، در حالیکه هر کسی بخوبی میداند که در دل قاتر که رگهمن ماتشتنای از رفت و کید علیه بیگانگان رالیسم و طال اش در ایران " ریزم سبها گشته و وجود ریزم کید که رشتاش در اوضاع وخیم اقتصادی — سیاسی موجود است سبها استعمری " استعمار " حاکم سیر ان نهشته است و سراجام که ازده های سرخ این فشان " ریزم همی اعوان و انصارش را نبود و بیگانان رالیسم را بیرون خواهد ساخت .

آری طبقه کارگر همین با احتیاج به آونش دارد ، اما ند آن " آونش " است که ساواک در کارخانه هارا " ازده " بلکه آونشی که آنان از فوئسم و ایدئولوسی در خود کید خواهند نمود و بیاری ان سارناج حزب در ایرانا کرده " حکومت فائستی و دست نمانده پهلوی سرگون نموده و بسوی سوسیالیسم و کمونیسم روان میشود " برش " های ساواک سز هاند همی حربه هاونش — ی در بگرمز خواهند توانست ازدهم آمیزی جنبش میستی کارگری میهن ما جلوگیری کند و ریزم از این مشله طرفی نتوانند سیت . اوضاع جنبش کارگری ایران افسردی ای را در مقابل کونیستهای وطن مایجود آورده ت . توسطه های ریزم پهلوی همی سیاستهای سرکوب " قانونی " اوقات نخواهند شد جلوی رشد جنبش کارگری مارا بگیرند . شرایط حران ریزه و سلطت و انفسر جاری که در بسپن مایجود آمده و روند رافزون مبارزات ریزم ، زمینه عالی ای است که کونیستهای وطن ما بایست از آن به مجاهدت و فعالیت بکوشند و بغیر از این ریزم " آونش " امواج خویشان مبارزتی کارگران دلاور دارند ، با جاعمین به مداوم ازمایزه آنان و ارتقاء نفوذ ایدئولوسی کونیستی درین آنها و با جلب و غرض پیرویشان در هشت های کونیستی و سارسان ان اتحاد به های مخفی کارگری و طبقه کارگروطن ما را سرور های خویش و تعیین کننده آینده در نهشتاری حزب کونیست ایران آماده سازند .

شانی با :

Lorenz Gajmetzer
Col Di — Lana 18
39100 Bozen
ITALY

تہائی ما :

Lorenz Gallmetzer
Col Di — Lana 18
39100 Bozen
ITALY

یگوئیم سیرقه‌قزاقی طی کرده اند. مقایسه ای کوچک گویای

انجیراجریده "حققت" ارگان "اتحادیه کومینستهای ایران" بهرمان تحلیل‌هایی نادرست ازبحری رخدادهای سیاسی درایران گاه و خجلانه وگاه روشن تربره ارائه رهنمودهایی زبان آوری رجنش یاردراخته است. این تحلیل‌ها نادرست اند. آنچه که تقسیم بندی سیاستی و فلاحی رطبقات ارتجاعی حاکم درایران بوده و اقدامات خائفانه و طوطی فروشی نادرسته دست نشانده مدرخرضا بوده این رنگ استقلال دیده شدن "سین رهنمود" هازبان آوری ارتاجت که مرحلهی انقلاب پسین مارکس انقلابی درکراتیک سوبن باهدف سرنگونی طبقات ارتجاعی حاکم و بیرون راندن کامل امپریالیسم و استقرارهم‌پوری درکراتیک خلق برای گذاربه سوسیالیسم وکومینسم است؛ بزیویلات سؤال کشیده و وظیفه ای درنگاردرستورکار فرارمیده هند. ارتاجتیک درصحات محدود "پیکارخلق" امکان بررسی یگانگ فلات چندین بشمارهی "حققت" اعزضته نیست. تمرکزشدن براین باره ربروری مفالده درپارای رخدادهای سیاسی اخیر" منهد دررشنیسی سرارمان سرنگه که می‌فالتا درنگزمنست. میگدریم. درمقاله جنین سیخونیم: "بورژوازی کیمادرایران که درآقارطح بایگاهی نبودن ایران شافع کلان درآن براری خود مید (چون گترش بارازکلا بکنی منطقه ویره) اکنون که بدلیل بحران جهان سرماییه داری روضع خراب اقتصاد ایران، این برنا به حد و بقا میبوی وافزایش یورده و نظامی ایران گردیده و شافع چندین ای بری بورژوازی کیمادر

که امید بسیاری در روزی خفیدن به وضع اقتصادی خود ارجل پول نفت داشتند و اکنون آزمایه‌های اینک پول نفت اساساً مصروف خارج نظامی میگردد و نارضایتی و طالب سهم بیشتری از پول نفت برای بخش خصوصی است. به ترتیب از یکسو بورژوازی کمردار و ایران و امروز نفت با یگانه‌های ایران نارضایتی و مخالف با آن نشان داده میشود و از سوی دیگر گنجین مزبور از بین بورژوازی کمردار و بعنوان "بخش خصوصی" و سوا به داری بوروکرات دولتی کشیده میشود که در هیچ‌کدام دنیا سابقه نداشته و داشتند. هم این مزبوری ساختگی و مخالف نقش با یگانه‌های ایران نشان دادن بورژوازی کمردار ورناد هستند. چه اینکه بورژوازی کمردار و بورژوازی و بوروکرات دولتی که مخالف مذکور به دربار پهلوی و مشخصاً محمد رضا شاه خائن را بعنوان نماینده آن معرفی میکنند تنها از یکدیگر جدا نایافته برند بلکه در هم ادغام شده بوده و در مجموعی خود درواستی تمام و تمام به ایران تسلیم قرار دارند. وضعی ماثوشه درون درموردی چهار فاعل بزرگ در چین و از جمله جیانگ کیش میگوید: آنها (چین) هیچ بیست سال حکومت خود نژوت هیچ‌کشتی باخبر، و تا ۲۰ میلارد دلار آمریکا نمی‌سازد و این تمام شدنی‌های حاسی اقتصاد کشور را به انحصار خود در آورده اند. این سرمایه داری انحصاری با انحصار دولتی به داری سرمایه داری انحصاری دولتی بدل شده است. این سرمایه داری انحصاری با پیوند نزدیکی که با ایران تسلیم خارجی، طبقه مالکان و دهقانان صرف طوارزکین داخلی یافته است به سرمایه داری انحصاری دولتی کمردار و روفرو دالی بدل گردیده است. این است پایه اقتصادی قدرت سیاسی حاکمان چنانکه نشان داده شده است. سرمایه داری در چین، معمولاً

سرمایه بورژوازی خوانده و صندوق و این بخش از سرمایه داران معروف به سرمایه داران بورژوازیک و اسیروازی (بورژوازی زمین) نامند. (اوضاع عمومی وظایف ما) و درجای دیگر: «سرمایه به اخصاری آمریکا سرمایه بورژوازیک-کپرال دار و چنانکه اشک از تنزیک به هم پیوند یافته و زندگی اقتصادی و سازماندهی نظارت گرفته است» (دولت چنانکه اشک در صافه تمام خلق است) و در بیان نیز جزاین تمیاض. بنابراین روشن است که سرمایه بورژوازی کپرال و بورژوازی بورژوازیک و همچنین مالک محارز از یک بگروا و دخیل و هدف جداگانه که نویسنده آن «حقیقت» میخواند را میباید یافت. نویسنده سرمایه داران انحصارگر کپرال و رگانی نیستند که دستگاههای دولتی را در جانب خود داشته باشند و سرمایه داران بورژوازیک نیز گمانی نیستند که با انحصارهای خصوصی سرمایه را داشته باشند. بلکه اینها در حقیقت از حیثیات اقتصادی و اجتماعی خود

از بزرگترین سرمایه داران انحصاری خصوصی میباشند که
* این سرمایه انحصاری یا میخفتن با قدرت دولتی به
سرمایه دار، انحصار، دولت، تبدیل شده است. * و این

www.peykar.org

بدیهی‌ها بین براهه نشان دادنانه "کسب آزادی سیاسی است و نه" وظیفه نخست مردم ما. "کسب آزادی سیاسی برای خلق ما و ملیت‌های متفاوت و عرصه زمانی بدست خواهد آمد که بساط حاکمیت گنبد طبقات ارتجاعی و وابسته کنونی که در پاره‌پله‌ی در بر آس آنها قرار دارد" و از گنبد گره در پیروانه‌های آن، جمهوری دیکتاتوری د مکارانیک خلق بدست بیرون استقیه کارگزاران برقرار دارند. برای رسیدن به این آزادی، سیاست تبعیض راه میانه باید پله به پله روی هم موجود نیست. تصور اینکه با بسنجی و رنگ‌های طبقات ارتجاعی حاکم بد نال پس‌نگردن بد نیزنجیزی جز کوشش در هم خوابه کردن بد خلق با مرجعین در این بدستور واحد افراطی و خیال برد ارتجاعی خرد بد بورژوازی و روشنگران خسته شده از مبارزه طولانی نخواهد بود. "وظیفه نخست مردم ما" نیز نه بد نال براهه رفتن، نه در یافتن راه بد خیال برداری کردن بد دین کشور بدستوری در رنگ‌های طبقات ارتجاعی حاکم میانه بد. "وظیفه نخست مردم ما" کارگان سرنگونی رژیم طبقات ارتجاعی و وابسته حاکم که در بر آس آن در مبار شاه قرار دارد، بیرون راندن کامل امپریالیسم زبیه و استقرار جمهوری د مکارانیک توده‌ای بوده و هژموناسی در تقلیل این وظیفه، چیزی جز ضرره زدن بد انقلاب میهن ما نخواهد بود. اگر ایستای انقلاب بد آخر ماندن و تسود، نبوده‌یاد با استفاده از ظرف کارگوان گنبدی، گنبد، انبوهی ارتجاعی را با فطمتی رنج بین و غلطی و تمام و کمال نابود ساریم و با پیگیری و استواری تمام در جهت اصلحلال امپریالیسم و نفوذ اسیسم و سرمایه داری بد مکارانیک کوشش کنیم، سطره ارتجاعی گونبده آن بد بخوابد: رژیم طبقات ارتجاعی حاکم در ایران (از رسا سرگشور بد انگلیس و جمهوری دیکتاتوری د مکارانیک خلق راجت و همی بد یولواتی و سر اسامی کارگران بد هفتان بد نالیم بد تاوسته بد و انقلاب را بدسرانجام برسانیم. به امید عریجه "سرحترقا" رسیدن آتروزی که رفقای نویسنده "حقیقت بخود آینه و در تصحیح اشتباهات و انحرا فات بخود بطور جدی گام بردارند.

[illegible]

کارگران ایرانی و افغانی هم‌رزم و هم‌سنگر

گفته است: از زندگی بخت با رفلی حصن و تاربان و شگنجیه
 با عوران حکمت و ابد نیر از نظرشان را میگرد
 که بهر حال از مرگ شته و ششبرهای ایران میسرند خورنده
 خیل ارتش میگردان ایران افزوده شده و با حانانان گریزی نیز
 ندارد و به تنهایی که به آن داده میشود کوشش
 کارگران معضوبی ایران است و نیز در کافاده گستر
 خواب آتارهای کند، بقول کسی که از زندگی شاهد زندگی
 این رنجبران انگورستان زنده شده و در ایران بوده اند
 اینان اگر کافاده منزل و مسکن میباشند و رشام مسدود
 ناستان و تنه گیسو هوا میگرد و غلامان درنده است در
 در گوشت و خراش با با و کچه های تهران و سایر شهرهای
 که در آن هستند - شهرها را میگرد و طایفه و قبیله
 در نبال گردن میباشند - رژیم خودخواه و در گردن چلو
 که از تباطؤ زندگی این کارگران شریف اطلاع در روسی -
 داند که آنان بجه حاطریه دست کشید و از خانه و زندگی
 خود مجبور گشته اند لحظه ای از تحت فشار قرار دادن
 آنان خود داری نگردد و به انواع و اقسام و سلب و ظلم و
 تعدی بر آنان میپردازد - حتی بنا بر افروزی و به های
 رژیم در طول سال گذشته در کاه های در بصلح خراسان
 خود و در میزاق خود را بیعت کرده اند و پروانه را محکوم به
 بازگشت به سرخودشان کرده اند (کیهان هوائی ۲۲
 فروردین ۱۳۵۶) و با - و هزار کارگر افغانی که بطور مجاز
 به ایران وارد شده و دیدن مجوز قانونی نگذاشته اند
 مشغول بودند توسط با عوران کلانتری ۱۴ تهران دستگیر
 شدند؟ (کیهان ۲۱ فروردین ۱۳۵۶) - باید پرسید
 پس چگونه است که ۴۴ هزار مستشار نظامی ایرانی که در
 راس دستهای راه میروند و از خون دل زحمتشان به دست
 مارتسی میگردند به همین شئون ملکی مافوق شده و
 صاحب اختیار همی

بقیه در صفحه ۵

رژیم کارگرگش پهلوی که دست‌انداختن با مردمی بی‌سواد و
 زحمتکشان غیر ایرانی آشفته است و از هیچ حنای علی‌
 طهه کارگر ایرانی نمی‌کند اخیراً پنجاه خونی ایرانی را
 سوز کارگران خلق برادران را نیز برای تشنه‌ای نان
 ایران آید و اندر برادران و استادان روزی بیست که
 دست‌های کارگران را در زیر سبیل تشنه‌ای سوز تشنه‌ای
 نبرداده و عسارت و ستم با این‌ها آید و جرات کارگران
 به توجیه و اجافاتی که دست‌های پلیسی و
 قضائی «عاشاک» علیه آنها روا دارند نبرداوردند.
 بنایه ادعای رژیم جانی و خاک‌شاء این کارگران
 افغانی بر یک معاشی متعدد می‌گردند و باعث از یاد و
 توسع و قتل و زور خورد و زهرهای مختلف که در آنجا
 بکار می‌روند می‌شوند و حاصلی کلام این افراد «تیریز»
 و «مارا» هستند که باید تک‌تک و رعیت «مأموران
 انتظامی» فرارگین، بی‌بیمه‌ای چگونه است و در ستم
 این هزاره در آنجا رژیم پهلوی چه واقعیهایی نهفته
 می‌باشد؟
 حقیقتی است که میل کارگران افغانی بسوی ایران را
 است. این زحمتکشان را چند به که فشارش را از سده
 فاسیدم دارد و خان و این و بسستی کرکلی را فرارگین و
 به ترک بار روزی که خود می‌کند و به امید یافتن کار و
 زندگی بخور و میر خود و عیال را ایران می‌گردند. شرایط
 طاقت فرسای زندگی در افغانستان آنچنان روزگار نمان
 رسیاه نبوده که آنان تحمل‌های بی‌نهایت داشته و بس از
 گذشتن از مرزهای ایران که عدالت بطور مطلق و سیاه انجام
 می‌گیرد. شهرهای ایران روی می‌آورد. تعداد زیادی
 از آنان همانجا در حین عبور از مرز توسط عاقل رژیم شاه
 دستگیر شده و سراسر ضرب و شتم فراوان حد داده
 افغانستان عود داده و متوجه طبیعت است در آنجا

دوا بر قدرت در آفریقا

د وابر قدرت امیرالیهستی آفریقا کوروس در تکز پوری شیب
هزوی برجهان در ریاتی لجام گیسخته بر میروند . قاره
آفریقا بعلل خارجی بر زمین سراسر بارانها بسیار
سرمایه و کالاهای امیرالیهستی و مخصوص مهم استراتژیکی
ترتیب چرخه خاها امیرالیهستی و موضوع د وابر قدرت قاره
گرفته است . آفریقا در زمینه مواد خام برای صنعتی ترین مناطق
جهان است - ۹۵٪ الباس ۶۶٪ طلا ۵۰٪ مسقر ،
۴٪ پلاتین ۳۰٪ آهن ۲۶٪ یوکسیت ۲۰۰٪ مس
۵۰٪ قلع ۲۳٪ گاز طبیعی جهان در تکزهای آفریقا
تولفته است و تولید کالک ، کرم و تیتان در این قاره مقام
اول در جهان را داراست . استیلای جدید صد ساله
استعمارگران و امیرالیهستی قاره آفریقا به عقب مانده
اقتصادی این قاره وابستگی بسیاری از کشورهای آن به
امیرالیهستی و ترتیب چرخه بارانهای برای سرمایه و کالاهای
امیرالیهستی گردیده است . موقعیت مهم استراتژیکی آفریقا
تیب و باید د وابر قدرت را در تلاش امیرالیهستی نشان بگذرد .
کند حاکمیت سیاسی و اقتصادی برای قاره فزونی د و
چندان یافته اند ، چکه اینک هزوی بارانها قاره را بر عوارض
این زمین فشار بر روی اراطریق کنترل بر راههای آبی
یعنی آفریانس هند و اطلس در مانده اند که بخش اعظمی از
نفت و سایر مواد را لومبر در نیاز امیرالیهستی اروپا را آنها
میگرد - بهر حال خواهد داشت . سفرهای بیایی مانند -
گان ، همکاران و دست نشانده گان د وابر قدرت امیرالیهستی
آفریقا نشانه ای از تلاش این د و برای تحقق این خواست
« اراطریق » سلامت آفریقا » است و در این سفرها دلایلی در
یکی ناله های دروغین « صلح دوستی » امیرالیهستی را بنظر
مرب خلتها ی آفریقا سر میدهد . از هیچ توطئه و فتنه گری
برای به بند گسستن خلقتی آفریقا د و بر سلطه خود و
بیرون آوردن مناطق نفوذ ریبال جنگوی فرورگاز نمیکند ،
توطئه در پس توطئه و فتنه گری به بند گسستن توطئه گری ، ایست
ماهی قاعی « د لومبر » و « شمشیری » های امیرالیهستی
و د وابر قدرت امیرالیهستی آفریقا کوروس به نگید توطئه های
منگه برای تحکیم مواضع خود و توسعه آن در آفریقا دست
می یازند . یکی از توطئه های آنان رسوخ در کشورهای
آفریقائی اراطریق با مطرح کنهائی اقتصادی ، نظامی و
فرهنگی است . موسیال امیرالیهستی روس که با « ماسک » سو
لیهستی « وارد میدان شده و در پی بریدن این توطئه
بوق ترار قسید امیرالیهستی این میباشد . و این از جهت
اینکه

[illegible][illegible]

ایران

در راه آزادی طبقه کارگر

آرشیو اسناد سازمان پیکار
بر جهت ایجاد

به پیش